

ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم

حسین تک‌تبار فیروزجانی^{*۱}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

پذیرش: ۹۴/۸/۲۶

دریافت: ۹۴/۵/۱۹

چکیده

برگردان قرآن کریم از گذشته‌های دور مورد توجه بوده و بارها ترجمه شده و در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. گاه مترجمان به علت ضعف در درک کتاب زندگی و یا تفهیم آن به زبان مقصد، نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب از آن ارائه دهند و گاه نیز شاهد ترجمه‌های ارزشمندی از این کتاب آسمانی بوده‌ایم. بدین جهت نقد ترجمه قرآن و به خصوص ترجمه صفارزاده که مورد بررسی همه جانبه قرار نگرفته، از اهمیت زیادی برخوردار است. ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم است. وی در ترجمه، در پی فهم پیام الهی در آیات قرآن و انتقال آن به مخاطب است و به الفاظ و واژگان متن، به عنوان وسیله‌ای جهت رساندن محتوا می‌نگرد. نگارنده در این مقاله به دنبال آن است که با روش تحلیلی، به نقد و بررسی میزان دقت مترجم در فهم و انتقال پیام الهی بپردازد. به نظر می‌رسد که این ترجمه، ترجمه‌ای دقیق و ارتباطی از قرآن کریم به زبان فارسی و وفادار به ارزش ارجاعی متن است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه قرآن، طاهره صفارزاده، ترجمه ارتباطی.

۱- مقدمه

از همان صدر اسلام، ترجمه به عنوان یک ضرورت، خود می نمود و این نیاز، که با موج های بعدی گسترش اسلام، بیشتر و بیشتر می شد، عالمان مسلمان را به برداشتن گام های عملی در مسیر ترجمه سوق می داد. بی شک، هیچ ترجمه ای آن اندازه قابل اعتماد نیست که بتوان گفت، معنای دقیق پیام متن مبدأ را در متن مقصد بیان کرده باشد. بنابراین، مسأله محوری برای مترجم، دست یافتن به هم ارزی چالشی و برقراری گفت و گو میان زبان مبدأ و مقصد است. مهم این است که ارزش ارجاعی متن، در چه نوع ترجمه ای بیشتر حفظ می شود و چه ترجمه ای می تواند وفادار به ارزش ارجاعی آن تلقی گردد؛ نه آنکه وفادار به واژگان و چگونگی چینش آن در زبان مبدأ باشد. اینجاست که چگونگی ترجمه قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و کتاب هدایت بشر که حاوی دستوراتی جهت نجات دنیا و آخرت بنی بشر است، اهمیت خاصی می یابد. در تاریخ ترجمه قرآن کریم، روش های گوناگونی از آغاز شکل گیری ترجمه اتفاق افتاده است. بنظر می رسد ترجمه ای که بتواند در عین وفادار بودن به متن مقدس قرآن کریم، پیام و محتوای آن را به مخاطب انتقال دهد، ترجمه ای است که نگارنده این سطور، آن را ترجمه تفسیری یا ترجمه ارتباطی می نامد که نقطه مقابل ترجمه تحت اللفظی و یا به طور کلی ترجمه متن محور است. صفارزاده، شاعر، نویسنده، مترجم و قرآن پژوه معاصر، به ترجمه قرآن به دو زبان فارسی و انگلیسی پرداخته است که ترجمه فارسی وی از قرآن، ترجمه ای ارتباطی است.

ضرورت ارائه ترجمه ای دقیق و روان از قرآن مجید در عصر کنونی، موجب گشته است تا ترجمه های بسیاری با شیوه های گوناگون به رشته تحریر درآید. در کنار نشر ترجمه های ارزشمند و گرانبسنگ قرآن به زبان فارسی، مقالات متعددی در نقد و معرفی آنها در مجلات گوناگون منتشر شده است و اظهارنظرهای عالمانه، دقیق و موشکافانه ای در مورد ترجمه قرآن به عمل آمده است. در حیطه بررسی ترجمه صفارزاده از قرآن کریم، مقالاتی به نگارش در آمده است. از جمله، مقاله «بررسی و مقایسه ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن

کریم از طاهره صفارزاده» از شاهرخ محمدیگی و سمیه رضایی که در سال ۱۳۹۲، در شماره دهم پژوهش‌نامه قرآن و حدیث به چاپ رسیده و در آن مقایسه‌ای میان دو ترجمه صفارزاده از قرآن به دو زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفته است. نگارندگان مقاله، در پی آن بودند که مشخص کنند کدامین ترجمه وی، ترجمه دقیق‌تری از قرآن کریم است. به عبارت دیگر، آنها به بررسی تطبیقی دو ترجمه، به منظور یافتن موارد مشابه و غیر آن، و نهایتاً علل عدم مطابقت برخی از آیات و اینکه چرا میزان اشتباهات در ترجمه انگلیسی وی از فارسی کمتر است، پرداخته‌اند. مقاله «زبان ترجمه دکتر طاهره صفارزاده در قرآن»، از مهدی افشارکه در سال ۱۳۸۷ در مجله «چشم‌انداز ایران» به چاپ رسید، به بررسی تطبیقی ترجمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از صفارزاده با برخی از ترجمه‌های دیگر، از جمله آیتی، پاینده، خرمشاهی، خواجه‌وی، فولادوند، الهی‌قمشه‌ای و مجتبوی پرداخته است. سیدرضی مصطفوی‌نیا نیز در مقاله «روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن، «معزی، صفارزاده، آیتی»» در مجله ترجمان وحی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، به بررسی تطبیقی ترجمه برخی از تعبیر کنایی، در ترجمه‌های مترجمان مذکور پرداخته است. علاوه بر آن مسعود انصاری نیز در مقاله «نقدی بر ترجمه صفارزاده از قرآن»، که در دانشنامه موضوعی قرآن منتشر شده، ترجمه صفارزاده را در زمینه نثر فارسی آن، برابر‌گزینی و معادل‌یابی، صرف و اشتقاق و فهم مفاهیم، مورد انتقاد قرار داده است. ولی هیچ‌یک از مقالات مذکور، به بررسی همه جانبه ترجمه صفارزاده از قرآن کریم و بررسی مزایای آن نسبت به بسیاری از ترجمه‌ها و همچنین اثبات ارتباطی بودن آن نپرداخته است. نگارنده در این مقاله، در صدد است که با روش تحلیلی، به بررسی ترجمه صفارزاده بپردازد و شیوه ترجمه استعاره، مجاز، کنایه، حال، تمیز، مفعول مطلق، ادوات تاکید، فعل مجهول، التفات، حذف و تقدیر و تقدیم و تأخیرهای موجود در متن مقدس قرآن کریم را با انتخاب تصادفی مثال‌ها از سوره‌های گوناگون نشان دهد و در راستای مقایسه آن، با برخی از ترجمه‌های تحت‌اللفظی مشهور، ارتباطی بودن این ترجمه و همچنین مزایای آن را ثابت کند.

۲- ترجمه و روش‌های آن

واژه ترجمه در لغت، مصدر رباعی از فعل «ترجم» به معنای انتقال کلام، از زبانی به زبان دیگر است (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۲). به فرایند بازگرداندن چیزی، از یک زبان به زبان دیگر (Webster, 1985, p.1241) یا ارتباط دادن به معنای یک متن به زبان مبدأ با استفاده از معادل و هم ارز آن متن در زبان مقصد، (oxford companion, 1992, p.1051) نیز ترجمه گویند. ترجمه در اصطلاح، عبارت است از یافتن نزدیکترین معادل یک کلام در زبان مقصد، اول از جهت فهم و بعد از لحاظ سبک (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱).

صاحب‌نظران روش‌های گوناگونی را برای ترجمه برشمردند. پیترنیومارک (پیترنیومارک، ۲۰۰۶م: ۵۶) برای ترجمه، شیوه‌های گوناگونی قائل است از جمله: ترجمه لفظ به لفظ، تحت‌اللفظی، وفادار، معنایی، اقتباسی، آزاد، سبکی و ارتباطی. «جان درایدن» شاعر و نویسنده معروف انگلیسی (۱۷۰۰-۱۶۳۱)، ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند: (هژبرنژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۵) ترجمه عبارتی (metaphrastranslation)، ترجمه تفسیری (paraphrase translation) و ترجمه تقلیدی (imitation translation). دیگر مترجمان و نظریه‌پردازان مشهور نیز، هرکدام شیوه‌هایی برای ترجمه قائلند که ما در این مجال در صدد بررسی انواع ترجمه نیستیم. لیکن در یک نگاه کلی می‌توان گفت، مترجمان به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند. برخی از آنان با محور قراردادن متن، در پی عرضه معنای لغوی واژگان و جملات، به مخاطب هستند؛ گروه دوم، در پی فهم پیام و مراد مؤلف و انتقال آن به مخاطب می‌باشند و گروه سوم هم هستند که در ترجمه، مخاطب خود و تخصص وی را در نظر می‌گیرند و متن را بنا به خواسته و سلیقه ایشان ترجمه می‌کنند. مترجمان متن محور، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و وفادار از متن ارائه می‌دهند که معمولاً در این نوع از ترجمه‌ها، محتوا و پیام متن مبدأ، فدای ترجمه واژه به واژه می‌گردد و در بسیاری از موارد به سبب وفاداری افراطی‌اش به متن، از پابندی به معنا و ژرفای متن دور می‌ماند؛ چرا که ترجمه‌های تحت‌اللفظی معمولاً با دستور زبان مقصد سازگار نیستند یا بدان توجهی ندارند، متن ترجمه شده مبهم است، کنایه‌ها و

استعاره‌ها به صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌شوند که این امر، بر ابهام متن مقصد می‌افزاید، مسائل حذف و تقدیر و تقدیم و تأخیر هم در این ترجمه‌ها رعایت نمی‌شود. علاوه بر آن در بیشتر این ترجمه‌ها، متن ترجمه، عاری از نشانه‌گذاری است و به علت مسائل مذکور، قدرت برقراری ارتباط با مخاطب را ندارد.

ضروری است، که مترجم، در هر دو زبان مبدأ و مقصد، متبحر، و به اسالیب و ویژگی‌های هر دو زبان کاملاً آگاه باشد و ترجمه را به جمع معانی و مقاصد مربوط به متن، به نحو مطمئن ایفا نماید (سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۴). علاوه بر آن مترجم قرآن باید به زبان عربی و دقایق و ظرایف صرفی و نحوی و ریشه‌شناسی قرآن اشراف داشته باشد، از تفاسیر گوناگون و فقه و احکام، آگاه و با قرآن مأنوس باشد و بر معانی و بیان و مباحث حقیقت و مجاز و استعاره و کنایه مسلط باشد.

۳- ترجمه ارتباطی

ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با رایج‌ترین واژگان، اصطلاحات و ساخت‌های دستوری، به زبان مقصد برمی‌گرداند. در ترجمه ارتباطی، مترجم بر اساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد براساس معنای کلمه در بافت متن، معادل‌یابی کند. هدف اساسی در این روش از ترجمه، انتقال معنا، محتوا و پیام متن مبدأ و نیز روان بودن متن مقصد است. بدین‌سان، آنچه در ترجمه ارتباطی، اهمیت نخستین دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و پایداری به ساختارهای زبانی زبان مقصد است (ن.ک: ناظمیان، ۱۳۸۱: ۳۲). ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای متن محور نیست و با توجه به اینکه مترجم در استفاده از افزوده‌های تفسیری برای روشن کردن مفهوم آیات دغدغه‌ای ندارد، از این رو این شیوه از ترجمه، ترجمه‌ای خوشخوان بوده و از سلاست و روانی برخوردار است. مترجم، تلاش بسیاری برای آوردن جمله‌ها و یا عبارات‌های محذوف می‌نماید و بسیاری از حروف و ادوات تأکید را فدای پیام‌رسانی می‌نماید (ن.ک: لارسون، ۱۳۸۵: ۵۴). این روش از ترجمه،

شیوه بسیار مناسبی برای ترجمه کنایه‌ها، استعاره‌ها و مجاز به نظر می‌رسد؛ چرا که مترجم در این روش، تلاش می‌کند تا استعاره‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات را در زبان مقصد، معادل‌یابی کند. علاوه بر آن، مترجم همواره سعی می‌کند تا تأثیر هرگونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه خود نشان دهد و از علامت‌های نگارشی مختلف برای هرچه رساتر و شیواتر شدن ترجمه خود استفاده کند. از آنجایی که در این نوع ترجمه، تمام ویژگی‌های لفظی زبان مبدأ، بازسازی نمی‌گردد، بسیاری از نکات و مسائل ظریف دستوری زبان مبدأ، از دست می‌رود؛ اما چون مترجم در این روش با رعایت معادل‌ها به شرح و توضیح واژه‌ها و جمله‌ها در محدوده‌ای خاص مبادرت می‌ورزد و خود را محدود به الفاظ متن نمی‌نماید، فهم متن مقصد را برای مخاطب آسان‌تر می‌سازد (ن.ک: ناظمیان، ۱۳۸۱: ۴۳) و به عبارتی دیگر، سبب می‌شود مخاطب بهتر بتواند با متن اصلی، ارتباط برقرار کند که به همین سبب، آن را ترجمه ارتباطی نامیدیم. در ترجمه برخی از آیات، بکار بستن ترجمه ارتباطی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا ترجمه تعبيرات مجازی، استعارات، ضمائر، تشبیهات، کنایات و... به شیوه تحت‌اللفظی و بدون درک پیام و محتوای متن و انتقال آن به مخاطب غیرممکن است. گاه در قرآن نام‌هایی به صورت ضمیر و یا اسم اشاره آمده‌است و گاه تلمیحات و اشارات تاریخی فراوانی در متن قرآن وجود دارد که ترجمه تحت‌اللفظی در چنین مواقعی به کمک مخاطب نمی‌آید. گاه نیز ظاهر کلام جنبه امر و نهی دارد، اما در واقع برای بیان امر و نهی نیست و در ترجمه آن باید از لفظ، فاصله گرفت تا رساندن معنای مراد، میسر گردد که این امر نیز از عهده ترجمه ارتباطی برمی‌آید، شیوه‌ای که طاهره صفارزاده در ترجمه قرآن کریم به کار بسته است.

۴- بررسی ویژگی‌های ترجمه صفارزاده

۴-۱- استعاره

پیترومارک هفت روش را برای ترجمه استعاره بیان می‌دارد که عبارتند از: ترجمه تحت‌اللفظی استعاره، معادل‌یابی استعاره در زبان مقصد، ترجمه استعاره به تشبیه با اضافه‌های

تفسیری و توضیحی، ذکر پیام نهایی و مفهوم غایی استعاره، عدم ترجمه استعاره، ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری (پیترنیومارک، ۲۰۰۶: ۳۴). که البته می‌توان این تقسیم بندی را به چهار دسته تقلیل داد: ترجمه تحت‌اللفظی، معنایی، معادل‌یابی آن در زبان مقصد و ترجمه استعاره به تشبیه. از میان این روش‌های گوناگون، برخی روش تحت‌اللفظی در ترجمه استعاره‌های قرآنی را کارآمدتر می‌دانند، چرا که به اعتقاد آنان «در این روش، مترجم می‌کوشد از هرگونه افزایش و یا کاهش در ترجمه احتراز کند تا بتواند سبک و شیوه بیان نویسنده را حفظ نماید و تأثیری کم و بیش نظیر آنچه که نویسنده مبدأ در خواننده متن مبدأ به وجود آورده، در متن مقصد برانگیزد.» (فرح‌زاد، ۱۳۸۷: ۲۸) ناظمیان نیز ترجمه تحت‌اللفظی استعاره را بهترین روش برای انتقال تصاویر و ترکیب‌های بدیع به خواننده می‌داند (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۱۹). ولی با نگاهی به ترجمه‌های تحت‌اللفظی ارائه شده توسط مترجمان از استعاره‌ها متوجه می‌شویم چنین شیوه‌ای از ترجمه، مبهم است و مخاطب در پی آن، توانایی برقراری ارتباط با متن را از دست می‌دهد. اکنون برای اثبات این مدعا به بررسی تطبیقی چند مورد از استعاره‌های قرآنی و شیوه ترجمه آن در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی می‌پردازیم.

در آیه شریفه ﴿إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا﴾ (مریم/۴)، «عبارت قرآنی ﴿وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا﴾ دارای استعاره مکنیه و مجاز است.» (خطیب قزوینی، ۱۴۲۴: ۲۸۹) در عبارت ﴿وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ﴾، که از زبان ذکریا نقل شده، فرا رسیدن پیری، به صورت استعاره بیان شده است. صفارزاده آن را به، «در اثر پیری، موی سرم سفید گشته است»، برگردانده، که ترجمه‌ای معنایی از استعاره و ترجمه‌ای سلیس و ارتباطی است. مصباح‌زاده این عبارت را به «سفید شد سراز پیری»، برگردانده که ترجمه‌ای وفادار به متن است. در نقد این ترجمه باید گفت: آنچه که سفید می‌شود، موی سر است، نه سر. مجاز عقلی به علاقه مکانیت که در زبان عربی کاربرد دارد و قابل فهم است، در زبان فارسی اینگونه نیست و همین امر سبب شده است که عبارت «سفید شد سر از پیری»، مبهم باشد. شعرانی این عبارت را به

«مشتعل شد سر از راه پیری»، برگردانده است که مبهم به نظر می‌رسد، چرا که از اصطلاح «مشتعل شدن سر» در زبان فارسی، معنای «پیر شدن» فهمیده نمی‌شود؛ بلکه معنای «آتش گرفتن» از آن مستفاد می‌گردد. دهلوی نیز در قالب ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از استعاره موجود در این عبارت قرآنی، آن را به، «به رنگ آتش شعله زد سر من از جهت سفیدی»، ترجمه کرده است که در زبان فارسی مبهم به نظر می‌رسد.

در آیه شریفه ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا﴾ (حدید/ ۱۱)، واژه «يُقْرِضُ»، استعاره از «انفاق کردن در راه خداوند» است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۶: ۲۹۶). صفارزاده این آیه را به عبارت «کیست که {از طریق انفاق به دیگران} به خداوند وام نیکو دهد»، برگردانده است. وی در ترجمه‌اش، هم معنای حقیقی و تحت‌اللفظی واژه «يقرض» را ذکر کرده و هم معنای استعاری آن را در قالب افزوده تفسیری {از طریق انفاق به دیگران}، آورده و این امر سبب شده است تا متن فارسی وی، روان و قابل فهم باشد و مخاطب به راحتی بتواند با متن ارتباط برقرار کند؛ اما شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی که بسیار در حفظ امانت در ترجمه پایبندند، آن را به «کیست که وام دهد خدا را»، ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای کاملاً تحت‌اللفظی است و به نظر می‌رسد که افراط در حفظ امانت، موجب شده است تا مضمون و پیام اصلی استعاره به مخاطب القا نشود.

با نگاهی به آیات دیگر که در آن‌ها تعبیرات استعاری به چشم می‌خورد نیز، صفارزاده ترجمه‌ای تفسیری و غیر تحت‌اللفظی از آن‌ها ارائه داده است، از جمله آیه ۹۴ سوره حجر، آیه ۱۲ سوره نحل، آیه ۳۷ سوره یس، آیه ۴۴ سوره هود، آیه ۵۹ سوره أنعام، آیه ۱۸ سوره تکویر، آیه ۱۶ سوره بقره و... این امر سبب شده است ترجمه وی از استعارات قرآنی، در عین دقیق بودن، روان و قابل فهم باشد؛ اما در ترجمه‌های تحت‌اللفظی صورت پذیرفته از استعارات، این نتیجه به چشم نمی‌خورد. پس ترجمه تحت‌اللفظی روش مناسبی برای ترجمه استعاره‌ها به‌شمار نمی‌آید، چرا که این شیوه، استعاره را به صورت مبهم درآورده و موجب تشویش در فهم مراد است.

۴-۲- مجاز

در ترجمه مجاز یا معنای حقیقی و لغوی واژگان را ذکر می‌کنیم، یا معنای مجازی آن را، یا اینکه معنای حقیقی و معنای مجازی هر دو را با هم می‌آوریم. اکنون به بررسی تطبیقی شیوه ترجمه مجاز در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی می‌پردازیم.

در آیه ﴿يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ (مزل / ۱۷)، پیر کردن به واژه «یوم» نسبت داده شده است، در حالیکه «یوم» فاعل حقیقی نیست؛ بلکه ظرف زمان پیر شدن کودکان است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۳: ۲۳۶). این نکته که «یوم»، فاعل حقیقی نیست و فاعل، عذاب روز قیامت، و یا شدت هول و هراس آن روز است که سبب پیر شدن فرزندان می‌گردد، در ترجمه صفارزاده نشان داده شده است: «عذاب روزی که کودکان را از شدت سهمگین بودن، پیر و سفید موی می‌سازد»؛ چرا که وی به ترجمه تحت‌اللفظی و ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه «یوم» بسنده نکرده، بلکه معنای مجازی آن را نیز آورده است؛ اما این مزایا در ترجمه‌های تحت‌اللفظی به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی، معنای حقیقی و لغوی واژه را ذکر کرده‌اند و «یوم» را فاعل حقیقی قرار داده‌اند و آیه را به «روزی که می‌گرداند کودکان را پیران» ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای مبهم و نارسا به نظر می‌رسد؛ چون فقط به فکر وفادار بودن به متن مبدأ است.

در آیه ﴿يُنزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا﴾ (غافر / ۱۳)، واژه «رزق»، مجاز از باران است و مفعول به واقعی، آب و بارانی است که به وجود آورنده رزق می‌باشد. این نکته در ترجمه صفارزاده رعایت شده است: «و از آسمان برای شما آب را که سرچشمه حیات مادی و تولید کننده روزی‌های دنیایی است، نازل می‌فرماید.» وی در برگردان مجاز، به ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه بسنده نکرده، بلکه معنای مجازی آن را نیز آورده و ترجمه‌ای معنایی- ارتباطی ارائه داده است. اما این نکات در ترجمه‌های تحت‌اللفظی به چشم نمی‌خورد و شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی معنای حقیقی و لغوی واژه را ذکر کرده‌اند و گفته‌اند: «و فرو می‌فرستد برای شما از آسمان روزی را».

در آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (مریم / ۵۰)، «لسان صدق»، که در لغت به معنی «زبان راستی» است، در معنای «ثنای نیکو» آمده است؛ چون زبان، آلت و ابزار آن است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۸). صفارزاده معنای مجازی واژه را ذکر کرده و آن را به «نام نیکو» برگردانده و ترجمه‌ای درست، قابل فهم و ارتباطی از آیه ارثه داده است. دهلوی نیز معنای مجازی این واژه را در نظر گرفته و آن را به «ذکر جمیل»، برگردانده است؛ اما مصباح‌زاده و شعرانی آن را به «زبان راستی»، ترجمه کرده‌اند: «وبخشیدیم مر ایشان را از رحمت خود و گردانیدیم برای ایشان زبان راستی که بلند است». که به علت وفاداری بیش از حد به متن، در انتقال معنای مراد ناتوان است.

۴-۳- کنایه

مترجمان در ترجمه این اسلوب ادبی، راه‌های گوناگونی را در پیش گرفته‌اند. برخی به ارائه ترجمه تحت‌اللفظی از آن بسنده کرده‌اند؛ برخی دیگر به بیان معادل تعبیر کنایی در زبان مقصد پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز معنا و مفهوم کنایه را در زبان مقصد ذکر کرده‌اند و برخی دیگر نیز به تناسب موقعیت در آیات مختلف شیوه‌های مختلف را در پیش گرفته‌اند. در ادامه به بررسی تطبیقی شیوه ترجمه کنایه در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی می‌پردازیم.

در آیه ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَهُوَ أَخَذٌ بِنَاصِيئِهَا﴾ (هود / ۵۶)، عبارت «هو أخذ بناصیئها»، «کنایه از این است که خداوند بر آن سلطه دارد و هر طور که بخواهد با آن رفتار می‌کند...» (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۲۹۵). صفارزاده ترجمه‌ای معنایی از این عبارت کنایی ارائه داده و معنا و مفهوم کنایه را در زبان مقصد این چنین بیان کرده است: «تحت قدرت و تسلط او بسر می‌برد و اختیارش در دست خداوند است...». این ترجمه، ترجمه‌ای ارتباطی و قابل فهم است؛ اما شعرانی و مصباح‌زاده در ترجمه این عبارت آورده‌اند: «...مگر که او گیرنده است

موی پیشانی او را...». ترجمه دهلوی نیز تقریباً به همین شکل است که هیچ یک در تعبیر کنایی، مناسب به نظر نمی‌رسد.

در عبارت قرآنی ﴿صُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدُّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ صفارزاده به بیان معادل این تعبیر کنایی در زبان مقصد پرداخته است: «داغ خواری و بینوایی بر پیشانی آن‌ها زده شد». اما مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی آن را به «زده شد بر ایشان خواری و بیچارگی»، برگردانده‌اند که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است و در انتقال معنا و مضمون آیه ناتوان است.

در برگردان عبارت قرآنی ﴿هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ﴾ (بقره/ ۱۸۷)، صفارزاده علاوه بر ارائه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از این عبارت کنایی، در قالب افزوده تفسیری، به توضیح مختصر و معنایی این عبارت پرداخته است تا بدین ترتیب، ترجمه‌ای ارتباطی ارائه داده باشد؛ اما شعرانی، دهلوی و مصباح‌زاده به ارائه ترجمه تحت‌اللفظی و ظاهری از این عبارت کنایی بسنده کرده‌اند.

در آیه شریفه ﴿وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/ ۷۲)، عبارت ﴿قَطَعْنَا دَابِرَ﴾ کنایه از «از بین بردن و نابود ساختن» است. صفارزاده در برگردان این آیه، ترجمه‌ای ارتباطی - کنایی از این عبارت قرآنی ارائه داده است: «و آن‌هایی که نشانه‌ها و معجزات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، ریشه کن ساختیم». اما شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی در ترجمه این آیه شریفه آورده‌اند: «و بریدیم بیخ (دنباله) آنان که دروغ...» که برعکس ترجمه صفارزاده، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نامفهوم است.

عبارت ﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾، در آیه ﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر/ ۸۸)، کنایه از تواضع و نرم‌خویی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۱۹۳). صفارزاده در ترجمه این عبارت کنایی، معنا و مفهوم این کنایه در زبان مقصد را ذکر کرده تا ترجمه‌ای معنایی و ارتباطی و همچنین سلیس و قابل فهم از این تعبیر کنایی ارائه داده باشد: «ونسبت به مؤمنان متواضع باش». اما شعرانی و مصباح‌زاده در برگردان این عبارت کنایی آورده‌اند: «فرود آور بالت را

از برای گروندگان». دهلوی نیز این عبارت را به «و پست کن بازوی خود را برای مسلمانان» برگردانده است. این ترجمه‌ها برخلاف ترجمه صفارزاده، وفادار به متن مبدأ و مبهم هستند.

۴-۴- حذف و تقدیر

جمله‌ها و عبارات محذوف در قرآن بسیار فراوان است. این پدیده به دلایل بلاغی مانند ایجاز و یا به دلیل واضح بودن محذوف، در جای جای قرآن کریم وجود دارد. عمده‌ترین موارد حذف در قرآن کریم عبارتند از: جواب شرط، مبتدا، خبر، مضاف، مضاف الیه، مفعول به و ... در ترجمه تحت‌اللفظی، واژگان متن مبدأ از نظر لغوی- و نه معنایی و محتوایی- هریک به زبان مقصد ترجمه می‌شوند؛ بدون آنکه به جهات دیگر زبان از جمله عبارات یا جمله‌های محذوف آن توجهی شود (ناصری، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در ادامه به بررسی تطبیقی ترجمه صفارزاده با ترجمه‌های دهلوی، شعرانی و مصباح‌زاده در این حیطة پرداخته می‌شود.

در آیه ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾ (تکاتر / ۵)، جواب «لو»، محذوف و تقدیر آن اینگونه است: «لو تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَشَغَلَكُمْ مَا تَعْلَمُونَ عَنِ النَّبَاهِي وَالنَّفَاحِرِ بِالْكَثْرَةِ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۲). صفارزاده در ترجمه این آیه، محذوف را در قالب افزوده تفسیری ذکر کرده و در ترجمه آورده است: «اگر می‌توانستید با یقین کامل آخرت را ادراک کنید {از سرگرمی‌ها و افتخارات باطل دست می‌کشیدید}. ذکر محذوف در ترجمه، سبب شده است تا ترجمه وی ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی باشد، اما در ترجمه شعرانی و مصباح‌زاده از این آیه، محذوف ذکر نشده است.

در آیه ﴿وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ (ق / ۱)، «واو» در این عبارت واو قسم است و جواب قسم، محذوف و تقدیر آن اینگونه است: سوگند به قرآن {که ما محمد (ص) را فرستادیم} و یا سوگند به قرآن {که تو پیامبر خدایی} و شعرانی و مصباح‌زاده در ترجمه این آیه، جواب قسم محذوف را برگردانده‌اند. اما صفارزاده، جواب قسم مذکور را تشخیص داده و در ترجمه این آیه گفته است: «سوگند به قرآن مجید {که محمد (ص) پیامبر خدا است}.

بی شک برگرداندن محذوف در ترجمه سبب می شود متن، روان و قابل فهم تر شده و مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کند. این مهم، در ترجمه های ارتباطی اتفاق می افتد که ترجمه صفارزاده از این دست است. بدین سان که وی کوشیده تا با یافتن جمله ها و عبارات محذوف در قرآن، آن را به بهترین شکل در زبان مقصد بیان کند. البته باید این نکته را نیز اضافه کرد که در این ترجمه تلاش شده تا عبارت های محذوف قرآنی در داخل پرانتز قرار گرفته و از متن اصلی متمایز گردد.

۴-۵- تقدیم و تأخیر

در آیات قرآن کریم، تقدیم و تأخیرهای زیادی وجود دارد و هر کدام از آن ها، غرض معنایی و بلاغی خاصی را دنبال می کنند. وظیفه مترجم است تا تأثیر این تقدیم و تأخیرها بر معنا را در ترجمه نشان دهد. دقت در ترجمه صفارزاده نشان می دهد که وی به این وظیفه عمل نموده است؛ اما ترجمه های تحت اللفظی معمولاً در ترجمه، توجهی به این امر ندارد. اکنون به بررسی ترجمه برخی از آیات قرآن کریم می پردازیم.

در آیه ﴿إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (بقره / ۱۷۲)، ضمیر منفصل «ایاه»، مفعول به مقدم است و افاده حصر می کند. صفارزاده، این حصر و اختصاص را با آوردن واژه «تنها» در ترجمه نشان داده است: «اگر موحد هستید و تنها او را می پرستید». وی در ترجمه آیات ﴿بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ﴾، ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾، ﴿وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ﴾، ﴿إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾، ﴿إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ﴾ و ... نیز سعی کرده با آوردن واژگانی چون: فقط، تنها، خاص، ویژه، بس، متعلق به ... تقدیم و تأخیر را نشان دهد؛ چون وی رساندن محتوا و پیام زبان قرآن به مخاطب را رسالت خود می داند و بدین جهت همواره می کوشد تأثیر هر گونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه نشان دهد؛ چرا که در این نوع ترجمه، برعکس ترجمه های تحت اللفظی، واژه ها نه به صورت جداگانه، بلکه در درون بافت، ترجمه می شوند.

۴-۶- حال

با بررسی به عمل آمده از ترجمه‌های تحت‌اللفظی صورت گرفته از قرآن، کاملاً روشن است که چون در این ترجمه‌ها، اصل بر دقت و امانت گذاشته شده است؛ حال، همیشه به صورت صحیح و با قید حالت به فارسی برگردانده شده است و کمتر موردی یافت می‌شود که این مسأله در آن رعایت نشده باشد. در اینجا به بررسی ترجمه صفارزاده در این زمینه می‌پردازیم. در آیه ﴿فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص / ۷۲)، «ساجدین»، حال است. ترجمه صفارزاده از این آیه چنین است: «به او تعظیم کنید». وی در برگردان آیه ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾ (زمر / ۲) به «تنها خدا را پرستش کنم و دینم را برای او از هر شک و شبهه‌ای خالص کنم»، نیز، همان روش ترجمه حال به فعل را دارد. وی در ترجمه آیه ﴿يَتَقَلَّبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک / ۴) گفته است: «عاقبت چشم‌های تو خسته و ناامید از یافتن نقص ... به سوی تو باز می‌گردند.» و همانطور که ملاحظه می‌شود، حال را به فعل، ترجمه کرده و به فعل قبل از حال، عطف نموده است. در آیه ﴿مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾ (زمر / ۱۱) نیز حال به صورت «خالص گردانم»، ترجمه شده و به فعل قبل (أعبد)، عطف شده است. در آیه ۵۴ سوره رحمن، آیه ۱۶ سوره واقعه و آیه ۸ سوره فتح نیز حال به فعل ترجمه شده است. در برخی از آیات نیز حال ترجمه نشده که از جمله آن‌ها آیه ۵ سوره فتح و آیه ۹ سوره تغابن است. شایان ذکر است که عدم ارائه ترجمه‌ای که به حال بودن واژه یا جمله اشاره داشته باشد، نشانه ضعف ترجمه یا عدم توجه مترجم نیست. بلکه مترجم در پی ارائه ترجمه‌ای ارتباطی، و خواهان انتقال معنا و مفهوم آیه به مخاطب است. به عنوان مثال، وقتی وی در برگردان آیه ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾، می‌گوید: «خداوند را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان»؛ به نظر نمی‌رسد که ترجمه این آیه چیزی غیر از این باشد و باید گفت این ترجمه، معنای مقصود را بهتر و روان‌تر به مخاطب منتقل می‌سازد و با زبان مقصد سازگارتر است، تا اینکه در ترجمه آن بگوییم: «پس بپرست خداوند را در حالیکه دین خود را برای او خالص می‌گردانی». بنابراین باید گفت که صفارزاده در برگردان حال از روش‌های رایج در استفاده از واژگان و قیودی چون «در حالی‌که» فاصله گرفته و در عین امانت‌دار بودن، در انتقال معنا

و محتوا، سعی نموده ترجمه‌ای خوشخوان، قابل فهم، سلیس و ارتباطی از آن ارائه دهد. اما در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، قضیه کاملاً برعکس است.

۴-۷- مفعول مطلق

مفعول مطلق در ترجمه‌های تحت‌اللفظی عیناً و بدون تغییر از زبان مبدا به زبان مقصد برگردانده می‌شود. مترجمانی چون مصباح‌زاده، دهلوی و شعرانی، مفعول مطلق را بدون هیچگونه کم و کاست و دقیقاً به همان شکل و اسلوبی که در متن قرآن آمده، به زبان فارسی برگردانده‌اند. به عنوان نمونه، شعرانی و دهلوی در ترجمه آیه ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾، گفته‌اند: «صبر کن صبری نیکو». مصباح‌زاده و شعرانی در ترجمه عبارت قرآنی ﴿فَدَكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً﴾ آورده‌اند: «بهمزده شوند بهمزده شدنی یک مرتبه». دهلوی نیز این عبارت را به این صورت برگردانده است: «کوفته شود ایشانرا یک بار کوفتن». اما در ترجمه صفارزاده شاهد چنین ترجمه‌ای نیستیم. در ابتدا چند آیه را به همراه ترجمه ارائه شده از وی از مفعول مطلق می‌آوریم و سپس به بررسی و تبیین روش وی در برگردان این اسلوب قرآنی می‌پردازیم:

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ (معارج / ۵): صبر نیکو {صبر بدون شکوه و شکایت} پیش گیر.

﴿فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةً رَابِيَةً﴾ (حاقه / ۱۰): پس خداوند هم به عذابی شدید گرفتارشان ساخت.

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا﴾ (واقعه / ۴): زمین در آن روز به شدت به لرزه در می‌آید.

﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سِيرًا﴾ (طور / ۱۰): آسمان به شدت به جنبش در می‌آید.

صفارزاده در ترجمه مفعول مطلق، پیام آیه را به درستی می‌گیرد و آن را در قالب جدیدی می‌ریزد؛ چرا که زبان فارسی و عربی از سبک‌های واحدی برخوردار نیستند. یک معنای واحد در زبان عربی به شکلی بیان می‌شود و همان معنا در زبان فارسی به سبک و قالب دیگر. این نکته مهمی است که صفارزاده بدان توجه می‌کند و در برگردان مفعول مطلق، ترجمه‌ای ارتباطی از آن ارائه می‌دهد. شایان ذکر است که در ترجمه‌های ارائه شده از وی از مفعول مطلق، غالباً شیوه مذکور در پیش گرفته شده است که به عنوان نمونه می‌توان به

ترجمه ارائه شده از وی از آیات ذیل به عنوان مشتبی از خروار اشاره کرد: آیه ۱۰ سوره جمعه؛ آیات ۸، ۱۱ و ۱۶ سوره مزمل؛ آیه ۵ سوره واقعه؛ آیات ۳، ۶، ۱۶ و ۱۷ سوره فتح؛ آیات ۱۳ و ۱۴ سوره حاقه؛ آیات ۹، ۱۰ و ۱۳ سوره طور؛ آیه ۴۱ سوره نجم و

۴-۸- تمییز

با نگاهی به ترجمه‌های تحت‌اللفظی ارائه شده از مترجمان ملاحظه می‌کنیم که در این نوع ترجمه‌ها از جمله ترجمه شعرانی، دهلوی و مصباح‌زاده، در برگردان تمییز از عربی به فارسی از واژگانی مثل: از حیث، از جهت، از نظر و نظایر آن برای انتقال دقیق معنی تمییز استفاده شده است تا بدین ترتیب ترجمه‌شان با متن قرآن مطابقت داشته باشد؛ اما صفارزاده در ترجمه تمییز، اصل را بر وفاداری و مطابقت ترجمه تمییز با سبک ادبی زبان مبدأ قرار نداده و از عبارتهایی نظیر: از نظر، از حیث، از جهت و استفاده نموده است. او محتوا را به تمام و کمال می‌گیرد و در برگردان آن به زبان فارسی، آن را در قالب زبان فارسی می‌ریزد تا بدین ترتیب ترجمه‌ای روان، قابل فهم و ارتباطی از متن ارائه داده باشد. اکنون برای اثبات این مدعا چند آیه را به همراه ترجمه ارائه شده از وی می‌آوریم تا ارتباطی بودن ترجمه وی را نشان دهیم.

﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق / ۱۲): علم واسع الهی بر همه موجودات و امور آن‌ها احاطه دارد.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾ (نساء / ۱۲۵): کیست نیکوتر از آنکه....

﴿وَكَفَى بِاللَّهِو كَيْلًا﴾ (نساء / ۸۱): حمایت و سرپرستی خداوند بندگان را کفایت می‌فرماید.

شایان ذکر است که ترجمه‌های ارائه شده از وی از تمییز در آیات دیگر نیز غالباً به این سبک است.

۴-۹- التفات

یکی از سبک‌های زیبای قرآن کریم، به کار گرفته شدن فن التفات در این کتاب مقدس است. صنعت التفات انواع مختلفی دارد که برخی از انواع آن به علت تفاوت زبان عربی و فارسی، قابلیت آن را ندارند که در زبان مقصد نشان داده شوند، ولی در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، اغلب مترجمان آن را در برگردان متن قرآن به فارسی انتقال داده‌اند. در زیر به بررسی چند نمونه از صنعت التفات و شیوه برخورد صفارزاده با آن در ترجمه می‌پردازیم.

صفارزاده در ترجمه ﴿عَصُوا وَيَعْتَدُونَ﴾، که دارای التفات از فعل ماضی به مضارع است، آورده است: «این‌ها همه ناشی از نافرمانی و تجاوزگری آن‌ها بود.» و هردو فعل را به صورت یکسان، و مصدری ترجمه کرده است. در ترجمه آیه ﴿كَذَّبُوا وَيَقْتُلُونَ﴾ (اعراف/۷۰)، که دارای صنعت التفات از فعل ماضی به مضارع است، هر دو فعل را به صورت ماضی ترجمه کرده است: «تکذیب کردند و کشتند.» وی در ترجمه آیه ﴿يَنْفِقُونَ فِي... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ﴾، که در آن التفات از فعل به اسم صورت پذیرفته است، هر دو واژه را به صورت فعل، ترجمه کرده است: «پرهیزگاران کسانی هستند که در غنا و تنگدستی، (در هر حال) انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وی در ترجمه متن قرآن، به متن مبدأ و ویژگی‌های ادبی و دستوری آن پایبند نیست؛ بلکه به دنبال درک معنا و ارائه آن در قالب دستوری زبان مقصد است تا ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی از زبان مقصد ارائه دهد. البته باید گفت که صنعت التفات در قرآن فواید، معانی و دلالت‌های زیادی دارد و از ظرایف زبان عربی و قرآن کریم است که در بیشتر مواقع، به علت ضعف زبان فارسی در برابر زبان عربی، و همچنین تفاوت سبکی و دستوری این دو زبان، در صورت انتقال به زبان فارسی و پیاده شدن آن در متن مقصد، آن متن را دچار پیچیدگی و ابهام می‌نماید. به نظر می‌رسد به همین دلیل است که صفارزاده در برگردان متن مقدس قرآن کریم به فارسی، به انتقال این صنعت پایبند نیست؛ اما این عدم پایبندی، هرگز به معنای عدم توجه وی به صنعت التفات نیست؛ چرا که در آن دسته از آیاتی که التفات به راحتی و بدون ایجاد ابهام و پیچیدگی در متن

مقصد قابل انتقال بوده، در ترجمه وی رعایت شده است. به عنوان نمونه، وی التفات در عدد را غالباً در ترجمه رعایت کرده است که برای نمونه می‌توان به ترجمه ارائه شده از وی از آیه ۶۳ سوره توبه و همچنین آیه ۱۱۷ سوره طه اشاره کرد.

۴-۱۰- فعل مجهول

در ترجمه‌های تحت‌اللفظی به عمل آمده از قرآن از جمله در ترجمه‌های مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی، فعل مجهول همیشه به صورت مجهول ترجمه شده است که این امر نشانگر وفادار بودن این ترجمه‌ها و مطابقت کامل آن‌ها با نص قرآن است. اما در ترجمه‌های تفسیری، گاه مترجمان به قواعد صرف و نحو پایبندند و گاه این قواعد را رعایت نمی‌کنند. این امر نشانگر این است که این مترجمان، پایبندی کامل به قواعد دستوری و سبک زبان مبدأ را در ترجمه، در درجه اول اهمیت قرار نمی‌دهند و معنا و محتوای ضمنی متن قرآن را فدای قواعد و دستور زبان نمی‌کنند؛ بلکه برعکس، تا جایی که ممکن باشد، با زیرکی تمام، به این قواعد پایبندند و مثلاً فعل مجهول را صورت مجهول ترجمه می‌کنند و گاه این افعال را به صورت معلوم به زبان مقصد برمی‌گردانند. ترجمه صفارزاده از این دست ترجمه‌ها است. وی فعل مجهول را بیشتر مواقع به صورت مجهول، گاهی مواقع به صورت معلوم و در برخی مواقع نیز به صورت غیر فعلی و به صورت مصدری ترجمه می‌کند. به عنوان مثال از میان ۶۲ فعل مجهول انتخاب شده به صورت تصادفی از سوره‌های مختلف قرآن کریم و بررسی ترجمه صفارزاده از آن، مشخص شد که وی از آن افعال مجهول، ۴۵ فعل را به صورت مجهول، ۱۵ فعل را به صورت معلوم و دو فعل دیگر را نیز به صورت مصدری برگردانده است.

صفارزاده فعل‌های مجهول موجود در آیات ۴۸، ۵۹، ۶۱، ۸۶، ۹۱، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۶۹ سوره بقره؛ آیه ۶۱ سوره نمل؛ آیه ۱۶ سوره انعام؛ آیات ۲۵، ۲۳، ۱۲ و ۶۵ سوره

آل عمران؛ آیات ۳۷ و ۵۲ سوره یونس؛ آیات ۵۶ و ۵۷ سوره روم؛ آیه ۷ سوره لقمان؛ آیه ۱۱ سوره سجده؛ آیات ۲ و ۵۴ سوره احزاب؛ آیات ۷۱ و ۷۵ سوره زخرف؛ آیه ۱۵ سوره قلم و آیات ۱۴ و ۲۵ سوره حاقه را به صورت مجهول ترجمه کرده است. وی فعل‌های مجهول موجود در آیات ۹۶، ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۵۸، ۱۸۰، ۲۱۴، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۷ سوره بقره؛ ۲۵ سوره آل عمران؛ ۵۸ سوره نحل؛ ۲۰ سوره حاقه؛ ۳۰ سوره احزاب؛ ۸ سوره جاثیه و ۴۵ سوره قلم را به صورت معلوم؛ و فعل‌های مجهول موجود در آیه ۸ سوره ملک و آیه ۴۲ سوره قلم را به صورت مصدری ترجمه کرده است.

۵- نتیجه

- ترجمه صفارزاده، ترجمه‌ای خوشخوان بوده و از سلاست و روانی برخوردار است.
- وی ترجمه‌ای غیر تحت‌اللفظی از تعبیرات استعاری ارائه داده است.
- در برگردان مجاز، معنای مجازی واژه را در نظر گرفته تا ترجمه‌ای قابل فهم ارائه داده باشد.
- در برگردان عبارت‌های کنایی، از ترجمه تحت‌اللفظی فاصله گرفته و ترجمه‌ای معنایی از کنایه ارائه داده و به بیان معنا و مفهوم این کنایه در زبان فارسی پرداخته است.
- همواره سعی می‌کند تا تأثیر هرگونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه نشان دهد.
- تلاش بسیاری برای آوردن جمله‌ها و یا عبارت‌های محذوف نموده و این امر سبب شده است تا متن مقصد، روان و قابل فهم‌تر شده و مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کند.
- فعل مجهول را بیشتر مواقع به صورت مجهول، گاهی مواقع به صورت معلوم و در برخی مواقع نیز به صورت غیر فعلی و به صورت مصدری ترجمه می‌کند.
- در برگردان حال از روش‌های رایج در استفاده از واژگان و قیودی چون «در حالی که» فاصله گرفته و در عین امانت‌دار بودن در انتقال معنا و محتوا، سعی نموده ترجمه‌ای سلیس و ارتباطی از آن ارائه دهد.
- در ترجمه مفعول مطلق، به سبک ادبی و لفظی قرآن به عنوان متن مبدأ پایبند نیست.

- در برگردان متن مقدس قرآن کریم به فارسی، به انتقال صنعت التفات چندان پایبند نیست؛ اما این عدم پایبندی، هرگز به معنای عدم توجه وی به این صنعت نیست.
- آنچه برای وی اهمیت نخستین دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و پایبندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد است.
- ارزش ارجاعی متن، در ترجمه وی حفظ شده و ترجمه اش وفادار به ارزش ارجاعی آن تلقی می‌گردد؛ نه آن که وفادار به کلمات و واژگان و چگونگی چینش آن در زبان مبدأ باشد.
- ترجمه فارسی وی از قرآن، ترجمه‌ای ارتباطی است.

۶- منابع

* قرآن کریم

- ۱- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، (۱۳۷۶ش).
- ۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، (۱۴۱۸ق).
- ۳- خطیب قزوینی، الإیضاح فی علوم البلاغة، تحقیق: محمد عبدالقادر الفاضلی، بیروت: المكتبة العصرية، (۱۴۲۴ق).
- ۴- دهلوی، شاه ولی الله، فتح الرحمن بترجمة القرآن، تحقیق عبدالغفور عبدالحق بلوچ و شیخ محمدعلی، مدینه، مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف، الطبعة الأولى، (۱۴۱۷ق).
- ۵- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، الطبعة الثالثة، (۱۴۱۴ق).
- ۶- سلماسی زاده، محمدجواد، تاریخ سیر ترجمه قرآن در جهان، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱، (۱۳۶۹ش).
- ۷- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: المكتبة الثقافية، (۱۹۷۳م).
- ۸- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).
- ۹- صافی، محمود بن عبدالرحیم، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه، دارالرشید مؤسسة الإیمان، دمشق- بیروت، الطبعة الرابعة، (۱۴۱۸ق).

ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه ای ارتباطی از قرآن کریم _____ حسین نک تبار فیروزجانی

۱۰- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).

۱۱- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعه المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، الطبعة الخامسة، (۱۴۱۷ق).

۱۲- فیومی، احمدبن محمد، المصباح المنیر، بی جا، مؤسسة دارالهجرة، چاپ اول، (۱۴۰۵ق).

۱۳- لارسون، میلدرد، «ترجمه معنایی»، ترجمه نفیسه داودی، مطالعات ترجمه، سال سوم، شماره ۱۱، (۱۳۸۵ش).

۱۴- مصباحزاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ اول، (۱۳۸۰ش).

۱۵- ناصری، مهدی، «قرآن کریم با ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، ترجمه معاصر وفادار به زبان فارسی»، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان (۱۳۹۳ش).

۱۶- ناظمیان، رضا، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، (۱۳۸۱ش).

۱۷- نیومارک، پیتر، الجامع فی الترجمة، ترجمه و إعداد أ. د. حسن غزالی، بیروت: دار و مكتبة الهلال، الطبعة الأولى، (۲۰۰۶م).

۱۸- هژیرنژاد، حسین، آیین ترجمه، تهران: دو نور، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).

webster 1985, Websters new collegiate dictionary, springfield /Massachusetts: Merriam-webster the oxford companion to the English language, 1992. Namit Bhatia Newmark, peter: A Textbook of Translation. first ed., Uk. ,prentice hall. 1988. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=77346>